

امروز فقط سرپناه نیستند؛ فیلترند. صدا را کم می کنند، سرما را نگه می دارند و گرما را ذخیره می کنند. این تفاوت یک سقف ساده با یک «خانه مدرن» است.

روی میل می نشینی. نرم است، اما فرو نمی ریزی. بعد از سال ها استفاده، هنوز شکلش را حفظ کرده. پارچه اش لک نمی گیرد یا اگر بگیرد، پاک می شود. خانه های قدیمی، زود پیر می شدند. خانه های امروز، دیرتر خسته می شوند.

در حمام، آب گرم سریع می آید. کف لیز نیست. پرده یا کابین حمام، سبک و مقاوم است. عایق ها اجازه نمی دهند رطوبت به جان دیوارها بیفتد. بوی نم، ترک سقف، لکه های زرد؛ اینها همه چیزهایی هستند که نسل جدید خانه ها تلاش کرده با آنها خداحافظی کند.

خانه جای استراحت است، اما در عین حال مثل یک ماشین پیچیده است. شبکه ای از لوله ها، کابل ها، عایق ها و پوشش ها که بی صدا کار می کنند تا تو مجبور نباشی به آنها فکر کنی. وقتی همه چیز درست کار می کند، هیچ کس از خانه تشکر نمی کند.

شب که می شود، دما ثابت می ماند. نه خیلی سرد، نه خیلی گرم. سیستم گرمایش یا سرمایش، دقیق تنظیم شده. دیوارها، سقف و کف، همه کمک می کنند تا انرژی هدر نرود. خانه های امروز، مصرف را مدیریت می کنند؛ حتی وقتی ساکنانشان حواسشان نیست.

به این فکر کن: اگر همین خانه را، با همین سطح از آسایش، بخواهی بدون مواد مدرن بسازی، چه چیزی تغییر می کند؟ دیوارها ضخیم تر می شوند، پنجره ها ناکارآمدتر. لوله ها زودتر می پوسند و کف پوش ها سنگین تر و سردتر می شوند. مصرف انرژی بالا می رود و هزینه نگهداری بیشتر می شود، بنابراین خانه زودتر فرسوده می شود.

خانه های قدیمی، زیبا بودند، اما سخت. گرم نگه داشتن شان دشوار بود و خنک کردنشان پرهزینه. صدا همه جا می رفت. رطوبت دشمن دائمی بود. اما امروز، این مشکلات کمتر دیده می شوند، نه اینکه از بین رفته اند، بلکه چون مواد و طراحی، آنها را مهار کرده اند. خانه ای که در آن زندگی می کنی، فقط از آجر و سیمان ساخته نشده، بلکه لایه لایه است. از لوله هایی که نمی بینی، از عایق هایی که لمس نمی کنی و از کف پوش هایی که به آنها فکر نمی کنی. خانه، مجموعه ای از انتخاب های صنعتی است که به تجربه روزمره تو شکل داده اند.

امنیت، فقط قفل و در نیست. امنیت یعنی دیواری که آتش را دیرتر منتقل کند، لوله ای که نترسد، سیمی که اتصال کوتاه ندهد و پنجره ای که نشکند. خانه های امروز، امن ترند چون «مواد» تغییر

نه اینکه «همه چیز پلاستیک باشد». واقعیت عمیق تر است: زندگی مدرن، با سرعت، ایمنی، بهداشت و دسترسی امروزی اش، بدون مواد پتروشیمی اصلاً قابل تصور نیست.

پتروشیمی فقط کارخانه و دودکش نیست، فقط پلاستیک یک بار مصرف هم نیست. پتروشیمی همان لایه نامرئی ای است که اجازه داده زندگی روزمره، این قدر روان، این قدر قابل پیش بینی و این قدر گسترده شود.

پرده دوم

تو فکر یک سقف...

پنجره را که می بندی، صدا عوض می شود. صدای خیابان عقب می رود، هوا ساکت تر می شود و چیزی شبیه امنیت جایش را می گیرد. خانه دقیقاً از همین جا شروع می شود؛ نه از دیوار و سقف، بلکه از قطع شدن آشوب خارجی.

کفش ها را درمی آوری. کف زمین سرد نیست، زیر هم نیست. راه می روی، بی آنکه به کف پوش فکر کنی. سال ها ست خانه ها طوری ساخته می شوند که «حس» داشته باشند؛ گرم، امن و قابل تحمل. خانه قرار نیست خودش را به تو تحمیل کند. قرار است اجازه بدهد زندگی کنی.

چراغ را روشن می کنی. نور یکنواخت است، بدون لرزش، بدون سایه های آزاردهنده. دیوارها رنگ دارند، اما بو ندارند. نه مثل رنگ های قدیمی که نفس را می بریدند، نه مثل خانه های نمور که دیوارشان حرف می زد. همه چیز آرام است، کنترل شده و مهار شده. به آشپزخانه می روی. شیر آب را باز می کنی. آب می آید؛ نه زنگ زده، نه کدر. لوله ها پشت دیوار پنهان اند، اما بی وقفه کار می کنند. کسی دیگر نگران پوسیدگی، ترک خوردگی یا نشستی دائمی نیست. خانه های امروز طوری طراحی شده اند که زیر پوستشان کار کنند، نه جلوی چشم.

کابینت ها را باز می کنی، بسته چپیس را در می آوری و در را هل می دهی، درها نرم بسته می شوند. ضربه نمی زنند، صدا نمی دهند. چسب ها، لولاها، روکش ها، همه در خدمت سکوت اند. انگار خانه هم یاد گرفته آرام حرف بزند.

یخچال، ماشین لباس شویی، اجاق گاز. بدنه ها سبک تر شده اند، مصرف انرژی کمتر شده، صداها کاهش پیدا کرده اند. خانه های جدید، خانه های کم مصرف اند؛ نه از سر فضیلت، بلکه از سر ضرورت. انرژی کم است و خانه باید با آن سازگار شود.

پنجره را نگاه می کنی. شیشه ها ضخیم ترند، دو یا سه لایه. بیرون سرد است، داخل گرم. بیرون شلوغ است، داخل آرام. خانه های

”

پتروشیمی فقط کارخانه و دودکش نیست، فقط پلاستیک یک بار مصرف هم نیست. پتروشیمی همان لایه نامرئی ای است که اجازه داده زندگی روزمره، این قدر روان، این قدر قابل پیش بینی و این قدر گسترده شود.

